

حکمت‌های تربیتی آیات حفظ عفت در سوره نور

مهری رضایی^۱ و مریم وفادار^۲

چکیده

حفظ عفت و حجاب از بنیادی‌ترین آموزه‌های قرآنی است که نقش بسزایی در سلامت فردی و اجتماعی دارد. با وجود اهمیت این موضوع، در بسیاری از پژوهش‌ها جنبه‌های تربیتی آیات مربوط به آن، به‌ویژه در سوره نور، کمتر مورد تحلیل نظام‌مند قرار گرفته است. مسئله این پژوهش آن است که چگونه حکمت‌های تربیتی نهفته در آیات سوره نور می‌تواند در شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی صحیح و تربیت نسل مؤمن نقش داشته باشد. ضرورت انجام این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که فهم دقیق فلسفه تربیتی احکام عفاف و حجاب می‌تواند زمینه کاربردی‌شدن آموزه‌های قرآنی در خانواده و جامعه را فراهم آورد. این پژوهش با هدف بررسی و تحلیل حکمت‌های تربیتی نهفته در آیات مربوط به حفظ عفت و حجاب در سوره نور و نقش این حکمت‌ها در شکل‌دهی رفتارهای اجتماعی سالم انجام شده است. سوره نور به‌عنوان منشوری تربیتی، با ارائه احکام و آموزه‌هایی در زمینه احکام خانواده، عفت و حجاب و حدود و تعزیرات، اجتماع و اخلاق، نقش مهمی در تربیت خانوادگی افراد و ارتقای سطح اخلاقی جامعه ایفا می‌کند. این تحقیق با روش اجتهادی و با استناد به آیات، روایات و مستندات فقهی، به تحلیل تربیتی آیات مربوط به عفت در سوره نور پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حکمت‌های تربیتی موجود در این سوره، از جمله تأکید بر عفت، حیا، حدود و تعزیرات، کیفیت اثبات و اجرای حدود و فلسفه احکام، تأثیر بسزایی در بهبود روابط خانوادگی، تربیت فرزندان سالم و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دارد. این پژوهش با ارائه راهکارهای عملی، به کاربردی‌سازی این حکمت‌ها در جامعه و پاسخ‌گویی به شبهات مربوط به احکام خانواده کمک می‌کند.

کلیدواژه‌ها: حکمت‌های تربیتی، سوره نور، عفت و حجاب، زنا، حدود.

۱. کارشناسی ارشد فقه خانواده، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.

۲. هیئت علمی گروه فقه و معارف اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران. یارنامہ: maryam_vafadar@miu.ac.ir



مقدمه

سوره نور به طور خاص به مسائل اجتماعی، روابط خانوادگی و تربیتی می‌پردازد. در این سوره، مواردی مانند تقوای اجتماعی، عفاف و حجاب، احترام به یکدیگر و الگوهای صحیح روابط خانوادگی مورد تأکید قرار گرفته است. ضرورت بحث از این جهت است که فلسفه و حکمت‌های تربیتی آیات احکام خانواده نقشی کلیدی در شکل‌گیری شخصیت و هویت فردی هر یک از اعضای خانواده ایفا می‌کند. این آیات با تأکید بر ارزش‌هایی چون محبت، مسئولیت‌پذیری و حقوق متقابل، محیطی امن و مناسب را برای تربیت نسل‌های آینده فراهم می‌آورند که در ادامه به ذکر نمونه‌هایی از فلسفه و حکمت‌های تربیتی آن اشاره می‌شود. تحلیل تربیتی احکام فقهی می‌تواند در کاربردی کردن فقه مؤثر باشد. کارکرد این رویکرد را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: آشنایی با ظرفیت‌های فقه در عرصه‌های نوین، اصلاح نگاه دستوری و بایندی و تکلیفیه فقه و ایجاد نگرش مثبت به آن، زمینه‌سازی برای پایبندی و التزام عملی بیشتر مکلفین به احکام شرعی با توجه به جنبه عملی و گستره آن.

از مجموع آیات سوره نور، نتایج و آموزه‌های مهمی به دست می‌آید که هریک از آن‌ها فلسفه و حکمت خاصی دارند. علاوه بر کتب تفسیری به صورت عمومی و تفاسیر موضوعی آیات الاحکام به صورت خاص پژوهش‌های خاصی با همین عنوان انجام شده است که عبارت‌اند از:

- مقاله رهیافت‌های تربیتی در سوره نور نوشته محمدعلی رضایی و سعید رضوانی؛ این مقاله به طور جامع به بررسی رهیافت‌های تربیتی در سوره نور پرداخته و ابعاد مختلف تربیتی این سوره را مورد توجه قرار داده است. این اثر علی‌رغم قوت در منابع و نظم منطقی و بررسی اجتهادی مسئله، نقاط ضعفی دارد؛ همچون فقدان نوآوری و ارائه مطالب تکراری و عدم توجه به مخاطب عام و غیرجذاب و قابل فهم عموم نمی‌باشد. همچنین در مورد چگونگی کاربرد رهیافت‌های مورد ادعا در مقام عمل بحث چندانی ندارد. اما در مقاله موجود، تلاش شده تا تحلیل‌های تربیتی ذکر شود و به ذکر فلسفه و آثار این احکام تذکر داده شود.
- کتاب *زن در آئینه قرآن (با تأکید بر سوره نور)* نوشته زهرا سعیدی؛ این اثر، اثر خوبی در این موضوع می‌باشد که به ابعاد مختلف موضوع توجه داشته و با روش تحلیلی و استنباطی به استخراج آموزه‌های قرآن در مورد زن از سوره نور پرداخته است. این نوشته همچون اثر قبل فاقد نوآوری در برداشت از آموزه‌های قرآنی در حوزه تربیتی بوده و نیز از رویکرد تطبیقی و کاربردی عاری می‌باشد. این اثر به کلیتی از مباحث زن پرداخته است ولی در حوزه احکام و تحلیل آن نپرداخته است.

تلاش نویسنده در مقاله پیش‌رو بر این است که تحلیل تربیتی فقط در آیات فقهی سوره نور بررسی شود، آن هم با نگاه فقهی؛ زیرا نوعاً در کارهای مشابه این موضوع، نکات تحلیلی تربیتی در آیات فقهی قرآن، مورد توجه قرار نمی‌گیرد یا کمتر بدان‌ها می‌پردازند؛ همچنین با ساختار منظم و منطقی با ارائه طبقه‌بندی مطالب به مقایسه پیام‌های آیات فقهی سوره نور با آیات اعتقادی و اخلاقی این سوره رابطه



برقرار شود و با اشاره زمینه‌ساز بودن آیات اعتقادی در التزام به آموزه‌های فقهی آموزه‌های تربیتی مورد توجه قرار گیرد.

مفهوم‌شناسی

تربیت

واژه تربیت در زبان فارسی به معنای پروردن آداب و اخلاق را به کسی یاد دادن به کار رفته است و در زبان عربی مصدر باب تفعیل و از ماده «رب» و «ربو» رب به معنای حضانت، حفظ و سرپرستی و ریشه دیگر آن ربو به معنای زیادت، رشد و نمو به کار می‌رود. در اصطلاح فرایند یاری رساندن به متربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفا کردن استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایش صورت می‌گیرد (اعرافی، ۱۳۹۱، ج. ۱، ص. ۵).

تحلیل تربیتی

دکتر علی همت‌بناری می‌گوید: «تحلیل تربیتی کوششی عقلانی متکی بر واقعیات برگرفته از قرآن، سنت، عقل و تجربه به منظور بررسی علل، اسرار و حکمت‌های احکام و نیز ارائه آثار و نتایج تشریح و التزام عملی به احکام فقهی با رویکرد تربیتی (این قید موضوع را میان رشته‌ای می‌کند) است (همت بناری، ۱۳۹۶).

حکمت‌های تربیتی

شهید مطهری در این باره می‌فرماید: «حکمت تربیتی یعنی شناخت صحیح و عمیق از هدف نهایی تربیت و روش‌های رسیدن به آن. این حکمت، ترکیبی است از دانش، تجربه و بصیرت که راهنمای اصول و روش‌های تربیتی است و بر اساس آن، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری می‌شود (مطهری، ۱۳۹۹، ص. ۲۰۰).

فلسفه و حکمت آیات حفظ عفت

چهار آیه از سوره نور مربوط به بحث عفت و نگاه و حجاب است که عبارت‌اند از آیات اول، دوم، سی‌ام و سی‌ویکم که به ترتیب بیان می‌شود:

فلسفه و حکمت مذکور در آیه اول سوره نور

خداوند در اولین آیه می‌فرماید: «سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (نور/۱)؛ این سوره را فرستادیم و (احکامش را) فریضه‌بندگان کردیم و در آن آیات روشن نازل ساختیم برای این که بندگان متذکر آن حقایق شوند». این آیه به روشنی اشاره می‌کند که آیات این سوره دارای معنا و دلالت‌های واضحی هستند. این «آیات بینهات» تنها به منظور اطلاع‌رسانی و بیان احکام نازل نشده‌اند، بلکه هدف آن‌ها تشویق بندگان به تذکر و یادآوری حقیقت‌های اساسی و مهم دین است. این مطلب می‌تواند به نوعی فلسفه و حکمت آیات این سوره را مورد اشاره قرار دهد. به عبارت دیگر، آیات این سوره نه تنها قوانین و احکام را برای ما مشخص می‌کند، بلکه در حقیقت حکمتی ویژه برای یادآوری و تذکر بندگان به



همراه دارند. با توجه به این نکته، می‌توان گفت که این آیات می‌خواهند ما را به تفکر و اندیشه وا دارند و ما را به سیر در آفاق و انفس دعوت کنند تا درک عمیق‌تری از وجود و هدف زندگی پیدا کنیم. آقای قرائتی در تفسیر نور می‌نویسد: «انسان به پند و تذکر نیازمند است. «لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» معارف قرآن در فطرت انسان ریشه دارد و با تذکر، پرده غفلت برداشته می‌شود» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج. ۸، ص. ۱۴۳). علامه طباطبایی می‌فرماید: «مراد از آن - به شهادت سیاق - آیه نور، و آیات بعد از آن است که حقیقت ایمان و کفر و توحید و شرک را ممثل می‌سازد، و این معارف الهی را تذکر می‌دهد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱۵، ص. ۱۱۲)؛ پس می‌توان گفت آیات قرآن برای تذکر است، یعنی آیات الهی غفلت‌زدا است. وقتی انسان رجوع به نفس خود کند به نیامندی‌ها و مصالح خویش بیندیشد و اصلاح خود را پرتو عمل به آیات الهی ببیند، متذکر شده و با عمل به آن، به کمال خواهد رسید.

فلسفه و حکمت‌های آیه دوم سوره نور

دومین آیه سوره نور می‌فرماید: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشِهْدُ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ (نور/۲)؛ باید شما مؤمنان هر یک از زنان و مردان زناکار را به صد تازیانه مجازات و تنبیه کنید و هرگز درباره آنان در دین خدا رأفت و ترحم روا مدارید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید و باید عذاب آن بدکاران را جمعی از مؤمنان مشاهده کنند». مفسرین در خصوص این آیه، فلسفه‌های متعددی بیان کرده‌اند که در ذیل اشاره می‌شود:

الف. نظم، اجرای عدالت

آیه‌ای که به مجازات زناکاران می‌پردازد، به وضوح نشان‌دهنده نگرش شدید دین به فواحش و ضرورت رعایت نظم اجتماعی و اخلاقی در جامعه اسلامی است. این آیه به شخصیت مؤمنان و تأثیر مجازات‌های اجتماعی بر جامعه تأکید می‌کند و مشتمل بر سه دستور کلی است:

(۱) حکم مجازات زنان و مردان آلوده به فحشاء: این حکم به صراحت بیان می‌کند که زن و مردی که در فحشاء (زنا) گرفتار شده‌اند، باید به میزانی مشخص (صد ضربه شلاق) مجازات شوند. زنا به‌عنوان یک عمل غیرشرعی، نه تنها به خود فرد آسیب می‌زند، بلکه آسیب‌های جدی به خانواده و جامعه وارد می‌آورد. نکته مهم در این جا آن است که مجازات به‌عنوان یک ابراز عدالت اجتماعی است که باید به شکل مناسب اجرا شود تا از تکرار این عمل جلوگیری کند و فضای پاک‌تری برای جامعه فراهم آورد.

(۲) عدم گرفتار شدن در محبت‌ها و احساسات بی‌مورد: تأکید بر این نکته که در اجرای حد الهی نباید تحت تأثیر محبت‌های غیرموجه قرار گرفت، اهمیت جدیت و قاطعیت در قوانین اسلامی را نشان می‌دهد. این دستور یادآوری می‌کند که در زمینه عدالت اجتماعی، رابطه‌های شخصی و احساسات نمی‌توانند در تصمیم‌گیری‌ها مؤثر باشند. اگر مؤمنان به ایمان و اصول خود پایبند باشند، باید از هر گونه تعصبی فراتر بروند و حقیقت

را در نظر بگیرند. این موضوع می‌آموزد که برای حفظ نظام اجتماعی، گاهی باید سخت‌گیری کرد.

(۳) دستور حضور جمعی از مؤمنان در صحنه مجازات: مشاهده جمعی از مؤمنان، نشان‌دهنده یک کار گروهی در اجرای عدالت است و به این معناست که مجازات فقط برای تنبیه فرد متخلف نیست، بلکه باید به‌عنوان یک درس و عبرت برای دیگران نیز تلقی شود. این مشاهده می‌تواند به تقویت احساس مسئولیت و اخلاق اجتماعی در جامعه کمک کند و بدین ترتیب زنه‌ار از اعمال ناپسند را به دیگران منتقل کند.

به‌طور کلی، این آیه نه‌تنها بر ضرورت مجازات زناکاران تأکید دارد، بلکه فلسفه‌ای عمیق‌تر را در پس خود پنهان کرده است. هدف از این مجازات، حفاظت از جامعه، ارتقای اخلاقی و ایجاد یک فضای آکنده از معانی انسانی و الهی است. در واقع، این حکم نشان‌دهنده عزم و اراده دین در مبارزه با فواحش و ناپاکی‌هاست و تلاش می‌کند تا جامعه‌ای سالم و متعادل بسازد. اساساً، این آیه تحریک به اندیشه و بازنگری در رفتارهای اجتماعی و فردی را در جامعه اسلامی تشویق می‌کند تا اصول اخلاقی و انسانی محفوظ بماند. مجازات سخت می‌تواند به‌عنوان یک عامل بازدارنده عمل کند. ترس از مجازات ممکن است افراد را از روی آوردن به زنا منصرف کند و بدین ترتیب، جامعه را از عواقب نامطلوب این عمل نجات دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج. ۱۴، ص. ۳۵۹).

ب. عبرت‌آموزی، تقویت ارزش‌ها

حرمت زنا و مجازات آن در اسلام به‌طور کلی در راستای حفظ بنیان خانواده و جلوگیری از عواقب ویران‌گر آن بر جامعه تنظیم شده است. این آموزه‌ها به ما یادآوری می‌کند که خانواده‌ها باید مورد حمایت قرار گیرند و هر نوع عملی که به بی‌ثباتی و نابسامانی اجتماعی انجامد، باید با جدیت و قاطعیت مورد قضاوت و مجازات قرار گیرد. از این‌رو، نگاه کیفی به این موضوع، درک عمیق‌تری از حکمت‌های الهی و ضرورت‌های اجتماعی را برای ما فراهم می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج. ۱۴، ص. ۳۵۹).

ج. بازدارندگی از گناه

استفاده از مجازات به‌عنوان ابزاری برای بازدارندگی و جلوگیری از تکرار افعال ناپسند از فلسفه‌های این حد الهی می‌باشد. در مجازات مجرمان، ترحم و عواطف نباید دخیل شود. عذوبت نسبت به مجرم ممکن است او را جری‌تر کند و موجب تکرار جرم شود (آیه: «لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ» (قرآنی، ۱۳۸۳، ج. ۸، ص. ۱۴۵). در تفسیر تسنیم چنین آمده است: «این تعبیر نکره در سیاق نفی و مفید عموم است یعنی هیچ نوع رفتی نشان ندهید، نه برای ترک یا تخفیف در اجرای حکم شفاعت و وساطت کنید، نه در چگونگی اجرای حکم رافت دروغین داشته باشید؛ مثلاً تازیانه را محکم بالا ببرید، ولی آهسته پایین آورید» (جوادی آملی، ۱۴۰۱، ج. ۵۹، ص. ۳۹۲). نکته اصلی در این‌جا آن است که مجازات‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که نه‌تنها به مجرم بلکه به دیگران نیز یادآوری کنند که پیامدهای ارتکاب به زنا می‌تواند بسیار جدی باشد.



بنابراین، ترس از مجازات می‌تواند افراد را از ورود به چنین رفتارهای مخربی دور نگه دارد. علاوه بر این، به‌کارگیری مجازات‌های عمومی و مشاهده آن توسط سایر مردم، می‌تواند به تقویت احساس مسئولیت فردی و اجتماعی کمک کند. افراد جامعه، با دیدن مجازات زناکاران، این درس را می‌آموزند که رفتارهای غیراخلاقی تأثیرات منفی بر جامعه دارند و هیچ‌کس از نظر اخلاقی و اجتماعی در امان نیست. این نوع بازدارندگی به نوعی، موجب شکل‌گیری یک فرهنگ اخلاقی مثبت در جامعه می‌شود که در آن افراد به رعایت اصول اخلاقی و دینی اهمیت بیشتری می‌دهند (مدرسی، ۱۳۷۷، ج. ۸، ص. ۲۵۵). شهید ثانی در شرح لمعه در بحث حدود، به وضوح بر این نکته تأکید دارند که هدف از حدود، الردع والزجر عن الفساد (بازداشتن و منع از فساد) است. حدود، نه‌تنها برای تنبیه مباشر جرم، بلکه برای ایجاد ترس و عبرت در دیگران و حفظ صلاح جامعه است (شهید ثانی، ۱۳۹۸، ج. ۹، ص. ۲۱). در نهایت، تأثیر مجازات به‌عنوان یک ابزار بازدارنده می‌تواند به حفظ سلامت و امنیت اجتماعی کمک کند و از آسیب‌های ناشی از زنا و فواحش در جامعه جلوگیری نماید، که این خود منجر به ایجاد یک محیط آرام و سالم برای زندگی خانوادگی و اجتماعی خواهد شد (مدرسی، ۱۳۷۷، ج. ۸، ص. ۲۵۵).

د. اجرای عدالت بدون تأثیر احساسات شخصی

باید احکام الهی، قاطع و به‌دور از محبت‌ها و احساسات بی‌مورد اجرا شود (مدرسی، ۱۳۷۷، ج. ۸، ص. ۲۵۴).

ه. حکمت‌های ممنوعیت روابط نامشروع در روایات

در اسلام، آزادی جنسی و روابط خارج از چهارچوب خانوادگی ممنوع است، مانند آیه «الزَّانِيَةُ... فَاجْلِدُوهَا...»؛ در بیان علل این ممنوعیت، امام رضا (ع) به مواردی چون قتل ناشی از سقط جنین، بر هم خوردن بنیان خانواده و ارتباطات خویشاوندی، ترک تربیت فرزندان، به هم خوردن موازین ارث اشاره کرده‌اند (مجلسی، ۱۳۱۵، ج. ۷۹، ص. ۲۴). امام علی (ع) نیز ترک زنا را موجب استحکام خانواده و جلوگیری از هم‌جنس‌بازی را عامل حفظ نسل می‌داند (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲).

و. تذکر به نقش مهم‌تر زنان در روابط نامشروع

زنان در برقراری روابط نامشروع غالباً نقش بیشتری دارند؛ لذا در آیات، کلمه «زانیه» پیش از «زانی» آمده است. (قرآنی، ۱۳۸۳، ج. ۸، ص. ۱۴۵). بر خلاف این، در مورد دزدی، کلمه «سارق» بر «سارقه» مقدم شده است، زیرا نقش مردان در این حوزه بیشتر است (وَ السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (مائده/۳۸)؛ و دست مرد و زن دزد را به کیفر کار زشتی که مرتکب شده‌اند به‌عنوان مجازاتی از سوی خدا قطع کنید؛ و خدا توانای شکست‌ناپذیر است).

ز. تأدیب، حکمت تنبیه بدنی زانی

هدف از تنبیه بدنی زانی، تأدیب او و حفظ عفت اجتماعی است که در آیه «فَاجْلِدُوهَا» به این موضوع اشاره شده است (مائده/۳۸).

ح. ممنوعیت ترحم در مجازات

در مجازات مجرمان، ترحم و عواطف نباید دخیل شود. عطاوت نسبت به مجرم ممکن است او را جری‌تر کند و موجب تکرار جرم شود (آیه: «لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ» (قرآنی، ۱۳۸۳، ج. ۸، ص. ۱۴۵).

ط. محبت در مدار شرع

محبت و رأفت باید در چهارچوب شرع باشد. خداوند در مواردی مانند فرستادن حضرت موسی (ع) به سوی فرعون، به نرم‌گویی تأکید کرده است تا امید تغییر در او وجود داشته باشد: «فَقَوْلًا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى (طه/۴۴)؛ پس با گفتاری نرم به او بگویید، امید است که هوشیار شود و [آیین حق را بپذیرد] یا بترسد...»

ی. نمونه‌هایی از رافت و محبت در اجرای حدود**۱. عدم اجرای حد در حال اضطرار**

در روایات آمده است که زنی به دلیل اضطرار و نجات از تشنگی شدید، مرتکب عمل زنا شد، خلیفه دوم می‌خواست حد زنا بر او جاری نماید، اما امام علی (ع) پس از بررسی، با استناد به آیه شریفه «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ (بقره/ ۱۷۳)؛ پس کسی که [برای نجات جان‌ش از خطر] به خوردن آن‌ها ناچار شود، در حالی که خواهان لذت نباشد و از حد لازم تجاوز نکند، گناهی بر او نیست» از اجرای حد ممانعت نمود. در این حال بود که خلیفه دوم گفت: «لولا علی لهلك عمر؛ اگر علی نبود، عمر هالک شده بود» (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج. ۲۸، ص. ۳۸۴) (رستمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۶).

۲. عفو مجرمان در زمان جنگ

رسول خدا (ص) از اجرای حدود در میدان جنگ نهی نموده و چنین اعتقاد داشتند که ممکن است شخص مجرم از روی خشم، تحریک و یا به جهت حمیت، به مشرکان ملحق شود، در نتیجه از اجرای حد، آثار مبعوض‌تری نسبت به عدم اجرای آن به وجود آید. در جریان جنگ تبوک، سوءقصدکنندگان به جان خود را به دلیل اجتناب از شماتت‌های مردم مورد عفو قرار داد، در حالی که در مورد اجرای حدود می‌فرمود: «و لاتخافوا فی الله لومه لائم» (بیهقی، ۱۴۲۴، ج. ۹، ص. ۱۰۳). در فرض یاد شده، حکم حد تغییر نیافته، اما چون زمینه‌اش وجود نداشته، اجرای آن متوقف شده است.

۳. عفو زنان بی شوهر

در سیره امام علی (ع) آمده است که زنانی که مرتکب زنا می‌شدند و شوهر نداشتند، ایشان بدون آنکه حد را در مورد این زنان جاری نماید، آنان را به اجبار شوهر می‌داد و می‌فرمود: «امام مسلمین وظیفه دارد، زنان آزاد و رها را با شوهر دادن مقید کند، همان‌گونه که شتر آزاد با عقال، مهار و مقید می‌شود (شیخ طوسی، ۱۳۶۴، ج. ۱۰، ص. ۱۵۴).

۴. تخفیف در شدت اجرای حد



حدّ در مورد مریض اجرا نمی‌شود، اما اگر به هر دلیلی اجرای حدّ الزام و فوری بوده، و مصلحت، مقتضی تعجیل باشد، در این صورت حدّ به شکلی خاصّ اجرا می‌شود. در مورد افراد ضعیف نیز که تحمل اجرای حدّ را ندارند، این تخفیف در نظر گرفته شده است؛ به این ترتیب که یک شاخه خرما و یا یک دسته چوب که تعداد آن‌ها به عدد حدّ باشد، یک دفعه بر بدن مجرم زده می‌شود که در اصطلاح به آن شمراخ گویند، و حدّی که به این شکل اجرا می‌شود، در اصطلاح به آن ضغث گویند (شهید ثانی، ۱۳۹۸، ج. ۲، ص. ۵۰۵).
۵. اجرای قاطع حدود الهی

صلابت در اجرای احکام الهی از ایمان به خدا و روز قیامت ناشی می‌شود. آیه «إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» بدین معناست که ترس از خدا و آخرت، موجب جدیت در موضوعات اخلاقی و اجتماعی می‌شود (قرآنی، ۱۳۸۳، ج. ۸، ص. ۱۴۵). به گفته آقای مکارم شیرازی در تفسیر نمونه «هدف از اجرای حد، حفظ آبروی انسان‌ها و جلوگیری از مفاسد اجتماعی و اخلاقی است. اگر افراد فاسد در صورت اتهام و نسبت ناروا به دیگران، مجازات نشوند، آبرو و حیثیت مردم در معرض خطر قرار می‌گیرد و موجب بدبینی مردم نسبت به یکدیگر و فروپاشی خانواده‌ها می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج. ۱۴، ص. ۳۷۶).
۶. مجازات روحی

زناکار علاوه بر مجازات جسمی، باید تحت زجر روحی نیز قرار گیرد؛ زیرا ممکن است تحمل مجازات بدنی آسان‌تر باشد، اما مجازات روحی اثری بازدارنده‌تر دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج. ۱۴، ص. ۱۴۵). یکی از فلسفه‌های مجازات علنی مجرم و اجرای حدود در محضر شهود به نوعی مجازات روحی مجرم تلقی می‌گردد. دلیل این مجازات روحی، از بین بردن آرامش روانی جامعه توسط فرد زانی می‌باشد.
۷. حصول تقوی و ایمان؛ پاداش و مجازات الهی

همگان موظف به رعایت حدود و تقوای الهی هستند، که البته لازمه آن شناخت و معرفت کافی به آن‌هاست، چرا که هر کس به حدود الهی و احکام دین خدا معرفت پیدا کند و با عمل دقیق به پیروی و اطاعت از خدا و رسول الله (ص) بپردازد، مشمول حکم آیه ۱۳ سوره مبارکه نساء می‌شود:
تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَدْخُلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (نساء/۱۳)؛ اینها اوامر و احکام خداست، و هر کس پیرو امر خدا و رسول اوست او را به بهشت‌هایی درآورد که در زیر درختانش نهرها جاری است و آنجا منزل ابدی مطیعان خواهد بود، این است سعادت و پیروزی عظیم گشته و سعادت‌مندان وارد بهشت رضوان الهی می‌گردند و به‌طور جاودان از نعمت‌های بیکران آن برخوردار خواهد گشت.

و هر کس خدا و رسول الله (ص) را نافرمانی کند، مشمول آیه ۱۴ سوره مبارکه نساء خواهد بود که فرمود: «وَمَنْ يُعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يَدْخُلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ (نساء/۱۴)؛ و هر که نافرمانی خدا و رسول او کند و تجاوز از حدود و احکام الهی نماید او را به آتش درافکند که همیشه در آن معدّب است و همواره در عذاب خواری خواهد بود».

فلسفه و حکمت مذکور در آیه سی سوره نور

خداوند متعال در آیه ۳۰ سوره نور می‌فرماید:

قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» (نور/۳۰)؛ ای پیامبر! به مردان مسلمان بگو: که چشم‌های خود را فرو خوابانند از آنچه (از روی عقل و شرع) ایشان را روا نیست که در آن بنگرند، و عورت‌های خود را (از آنکه کس در آن بنگرد) نگاه دارند آن پوشیدن چشم و محافظت عورت، برای ایشان پاکیزه است، البته خدا به آنچه (از نظر به حلال و حرام) می‌سازند خوب با خبر است.

مفسرین در خصوص این آیه، فلسفه‌های متعددی بیان کرده‌اند. میرزا علی رضا خسروانی در کتاب تفسیر خسروی که با گرایش تربیتی است روایتی را در ذیل این آیه شریفه نقل کرده است که حکمت کنترل چشم و حفظ عورت را بیان کرده است؛ «از امام صادق (ع) روایت است که بر مرد حلال نیست که به فرج برادر خود نظر کند و همچنین بر زن که به فرج خواهر خود بنگرد؛ این کار برای آن‌ها بهتر و پاکیزه‌تر است (یعنی برای دین و دنیاشان سودمندتر و طاهرتر است و تهمت را از آن‌ها دور و آنان را به تقوی نزدیک‌تر می‌سازد) زیرا خدا به آنچه آن‌ها می‌کنند (و به هر طریقی عمل کنند) دانا و آگاه است برای دین و دنیاشان سودمندتر و طاهرتر است و تهمت را از آن‌ها دور و آنان را به تقوی نزدیک‌تر می‌سازد» (خسروی، ۱۳۹۰، ج. ۶، ص. ۱۷۵).

فلسفه و حکمت مذکور در آیه سی و یک سوره نور

در آیه ۳۱ سوره نور چنین آمده است:

وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا يَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. (نور/۳۱)؛ و به زنان با ایمان بگو چشم از نگاه به مردان اجنبی فرو بندند و فرج‌های خویش را حفظ کنند و زینت خویش را جز آنچه آشکار است، آشکار نسازند و باید که روپوش‌هایشان را به گریبان‌ها کنند و زینت خویش را نمایان نکنند مگر برای شوهرانشان، یا پدران و یا پدر شوهران یا پسران و یا پسر شوهران و یا برادران و یا خواهرزادگان و یا برادرزادگان و یا زنان و یا آنچه مالک آن شده‌اند یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند و یا کودکانی که از اسرار زنان خبر ندارند، و مبادا پای خویش را به زمین بکوبند تا آنچه از زینت‌شان که پنهان است ظاهر شود؛ ای گروه مؤمنان همگی به سوی خدا توبه برید شاید رستگار شوید.



آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم ذیل این آیه نکاتی بیان کرده و می‌فرماید: «۱. حکم این آیه به زنان مومن اختصاص ندارد؛ لیکن چون فقط آن‌ها بهره‌مند می‌شوند، آن‌ها مخاطب وحی الهی قرار گرفته‌اند. ۲. تکرار ضمائر بیست و شش گانه که همگی به مرجع واحد، یعنی مومنات برمی‌گردد، این آیه را شکوه‌مند کرده است» (جوادی آملی، ۱۴۰۱، ج. ۵۹، ص. ۶۱۱). از جمله فلسفه‌های این آیه عبارت‌اند از:

الف. کنترل چشم و حفظ حجاب زنان؛ سبب فلاح و رستگاری

در این آیه با ذکر فلسفه حجاب و پوشش می‌فرماید که زنان نباید زینت خود را آشکار سازند» (و لا یُبَدِّینَ زینَتَهُنَّ) مگر در دوازده مورد:

۱. «برای شوهرانشان» (إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ)، ۲. «یا پدرانشان» (أَوْ آبَائِهِنَّ)، ۳. «یا پدر شوهرانشان» (أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ)، ۴. «یا پسرانشان» (أَوْ أَبْنَائِهِنَّ)، ۵. «یا پسران همسرانشان» (أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ)، ۶. «یا برادرانشان» (أَوْ إِخْوَانِهِنَّ)، ۷. «یا پسران برادرانشان» (أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ)، ۸. «یا پسران خواهرانشان» (أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ)، ۹. «یا زنان هم‌کیششان» (أَوْ نِسَائِهِنَّ)، ۱۰. «یا بردگانشان» کنیزانشان (أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ)، ۱۱. «یا مردان سفیهی که تمایلی به زن ندارند» (أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ)، ۱۲. «یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند» (أَوْ الطِّفْلَ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج. ۳، ص. ۲۹۳).

آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم می‌گوید: «این‌گونه بیان می‌رساند که اولاً احکام الهی باید به گونه‌ای بیان شود که مردم جذب شوند و به محض شنیدن، اطاعت در آن‌ها ایجاد شود و ثانیاً وضع ایمان مردم در حدی باشد که به مجرد رسیدن حکم الهی به آن‌ها به اطاعت مبادرت کنند» (جوادی آملی، ۱۴۰۱، ج. ۵۹، ص. ۶۱۰). آقای مکارم شیرازی نیز می‌فرماید:

فلسفه حجاب چیز مکتوم و پنهانی نیست، زیرا:

(۱) برهنگی زنان که طبعاً پیامدهایی همچون آرایش و عشوه‌گری و امثال آن همراه دارد مردان مخصوصاً جوانان را در یک حال تحریک دائم قرار می‌دهد تحریکی که سبب کوبیدن اعصاب آن‌ها و ایجاد هیجان‌های بیمارگونه عصبی و گاه سر چشمه امراض روانی می‌گردد. مخصوصاً توجه به این نکته که غریزه جنسی نیرومندترین و ریشه‌دارترین غریزه آدمی است و در طول تاریخ سر چشمه حوادث مرگبار و جنایات هولناکی شده، تا آنجا که گفته‌اند: «هیچ حادثه مهمی را پیدا نمی‌کنید مگر این که پای زنی در آن در میان است!» آیا دامن زدن مستمر از طریق برهنگی به این غریزه و شعله‌ور ساختن آن بازی با آتش نیست؟ آیا این کار عاقلانه‌ای است؟

(۲) آمارهای قطعی و مستند نشان می‌دهد که با افزایش برهنگی در جهان، طلاق و از هم گسیختگی زندگی زناشویی در دنیا به‌طور مداوم بالا رفته است، زیرا در «بازار آزاد

- برهنگی» که عملاً زنان به صورت کالای مشترک (لااقل در مرحله غیر آمیزش جنسی) در آمده‌اند دیگر قداست پیمان زناشویی مفهومی نمی‌تواند داشته باشد.
- (۳) گسترش دامنه فحشاء و افزایش فرزندان نامشروع، از دردناک‌ترین پیامدهای بی‌حجابی است و دلایل آن مخصوصاً در جوامع غربی کاملاً نمایان است.
- (۴) مسئله «ابتذال زن» و «سقوط شخصیت او» در این میان نیز حائز اهمیت فراوان است هنگامی که جامعه زن را با اندام برهنه بخواهد، طبیعی است روز به روز تقاضای آرایش بیشتر و خودنمایی افزون‌تر از او دارد، و هنگامی که زن را از طریق جاذبه جنسیتی وسیله تبلیغ کالاها و دکور اتاق‌های انتظار، و عاملی برای جلب جهان‌گردان و سیاحان و مانند این‌ها قرار بدهد، در چنین جامعه‌ای شخصیت زن تا سر حد یک عروسک، یا یک کالای بی‌ارزش سقوط می‌کند، و ارزش‌های والای انسانی او به کلی به دست فراموشی سپرده می‌شود، و تنها افتخار او جوانی و زیبایی و خود نمائیش می‌شود. و به این ترتیب مبدل به وسیله‌ای خواهد شد برای اشباع هوس‌های سرکش یک مشت آلوده فریب‌کار و انسان نماهای دیو صفت! در چنین جامعه‌ای چگونه یک زن می‌تواند یا ویژگی‌های اخلاقیش، علم و آگاهی و دانائیش جلوه کند، و حائز مقام والائی گردد؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج. ۱۴، ص. ۴۳۸)

نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که حکمت تربیتی به معنای فهم عمیق و منطقی اصول، اهداف و روش‌های تربیت است که به رشد کامل و متعادل فرد کمک کند و بر پایه دانشی استوار است. فهم حکمت تربیتی آیات نیز در دو نکته چنین است:

- (۴) حکمت تربیتی در واقع، پلی است بین شناخت هدف‌های عالی انسانی و شیوه‌های رسیدن به آن‌ها؛
- (۵) یکی از ابعاد فلسفه آیات احکام، توجه به مصلحت عمومی و فردی است. این مسئله در برنامه‌ریزی تربیت، نشان دهنده اهمیت حکمت در طراحی و اجرا است.
- با تحلیل فلسفی آیات احکام، محققان و طلاب می‌توانند درک بهتری از آنچه که احکام دینی به انسان‌ها القا می‌کنند، داشته باشند. بحث از فلسفه آیات احکام به‌طور مستقیم بر توسعه فقه و ایجاد مکاتب مختلف تأثیر می‌گذارد. با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی متغیر، بررسی فلسفه آیات احکام به فقیهان کمک می‌کند تا به چالش‌های جدید پاسخ دهند و احکام را به روز کنند. تحلیل فلسفی آیاتی مانند «زنا»، «طلاق»، و «ارث» نه تنها جنبه‌های حقوقی، بلکه ابعاد اخلاقی و تربیتی آن‌ها را نیز روشن می‌کند. فلسفه آیات احکام نه تنها به تربیت فردی بلکه به تربیت اجتماعی نیز توجه دارد. آموزه‌های دینی می‌توانند به جوانان کمک کنند تا در مواجهه با چالش‌های اجتماعی و فرهنگی بهتر عمل کنند. حکمت‌های تربیتی آیات حفظ عفت در سوره مبارکه نور، عبارت از: تذکر، نظم، اجرای عدالت، عبرت‌آموزی، تقویت ارزش‌ها،



بازدارندگی از گناه، تذکر به نقش مهم‌تر زنان در روابط نامشروع و حصول تقوی و ایمان؛ پاداش و مجازات الهی می‌باشد که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت.

منابع

قرآن کریم

- اعرافی، علیرضا. (۱۳۹۱). *فقه تربیتی: مبانی و پیش‌فرض‌ها* (ج ۱). قم: مؤسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان.
- بیهقی، ابوبکر. (۱۴۲۴). *السنن الکبری (تحقیق محمد عبدالقادر عطا)*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۴۰۱). *تفسیر تسنیم* (ج ۵۹). مشهد: مرکز چاپ اسرا.
- حرعاملی، محمدحسن. (۱۴۱۴). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه* (ج ۲۸). تهران: دار الکتب اسلامیة.
- خسروی، علیرضا. (۱۳۹۰). *تفسیر خسروی* (ج ۶). تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- رستمی نجف‌آبادی، حامد. (۱۳۹۶). *مؤلفه‌های تأثیرگذار در اجرای حدود، مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۹. شهید ثانی. (۱۳۹۸). *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (شرح لمعه)* (ج ۹). بی‌جا: بی‌نا.
- شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۳۶۴). *تهذیب الأحکام فی شرح المقنعة للشیخ المفید رضوان الله علیه* (ج ۱۰). تهران: دار الکتب اسلامیة.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان* (ترجمه سید محمدباقر موسوی). قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). *تفسیر نور* (ج ۸). تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۱۵). *بحار الأنوار* (ج ۷۹). تهران: دارالکتب اسلامیة.
- مدرسی، محمدتقی. (۱۳۷۷). *تفسیر هدایت*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۹). *انسان و سرنوشت*. تهران: صدای معلم.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه* (ج ۳ و ۱۴). تهران: دار الکتب اسلامیة.
- همت بناری، علی. (۱۳۹۶). *درآمدی بر تحلیل تربیتی احکام فقهی: عرصه‌ای نو در تعلیم و تربیت*. مطالعه فقهی تربیتی، ۴(۷).